



خطبة امام عليه السلام در روز عاشورا

• بسم الله الرحمن الرحيم



وَرَكِبَ أَصْحَابُ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ، فَبَعَثَ الْحُسَيْنُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ بُرَيْرَ بْنَ خُضَيْرٍ فَوَعَّظَهُمْ فَلَمْ يَسْتَمِعُوا، وَذَكَّرَهُمْ فَلَمْ
يَنْتَفِعُوا.

- چون اصحاب عُمَر بن سعد بر مرکب‌های خود سوار شده و آماده جنگ با حضرت سید الشهداء علیه السلام شدند، حضرت، بُرَيْر بن خُضَيْر را برای موعظه لشکر بفرستاد.
- بُریر هر چه آنان را پند و اندرز داد گوش ندادند، و هر چه آنها را متذکر و متنبّه نمود از آن سودی نبردند.



خطبه امام حسین
در روز عاشورا

• فَرَكِبَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاقَتَهُ وَقِيلَ فَرَسَهُ.
فَاسْتَنْصَتَهُمْ فَأَنْصَتُوا.

• در اینحال خود حضرت امام حسین علیه السلام بر ناقة
خود - و بعضی گفته‌اند بر اسب خود - سوار شد، و آنها
را دعوت به سکوت نمود پس ساکت شدند.



• فَحَمْدَ اللَّهِ، وَ أَثْنِي عَلَيْهِ، وَذَكَرَهُ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ، وَأَبْلَغَ فِي الْمَقَالِ؛

• سپس امام حمد خدا را بجای آورد، و ثنا بر او فرستاد، و به آنچه موجب عظمت مقام حضرت حق بود او را بستود، و درود بر محمد و فرشتگان و انبیاء و رسولان الهی فرستاد؛ و در خطبه و گفتار بحدّ اتمّ و اکمل در رسانیدن مطلب اهتمام نمود.



ثُمَّ قَالَ: تَبَّ لَكُمْ أَيُّهَا الْجَمَاعَةُ وَتَرَحًّا! حِينَ اسْتَصْرَخْتُمُونَا وَالْهَيْنَ،
فَأَصْرَخْنَاكُمْ مُوجِفِينَ؛ سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْفًا لَنَا فِي أَيْمَانِكُمْ!

• و سپس فرمود: ای جماعت! هلاکت و نکبت بر شما باد؛
ما را با شور و وله به فریاد رسی خود خواندید! و ما با
شتاب برای فریاد رسی و دادخواهی شما آمدیم؛ اما
همان شمشیری را که متعلق به ما بوده، و در دست
شما نهاده بودیم برهنه نموده و بر سر ما کشیدید!



وَحَشَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارًا اقْتَدَحْنَاهَا عَلَيَّ عَدُوَّنَا وَعَدُوَّكُمْ! فَأَصْبَحْتُمْ إِبَاءًا
لِعَدَائِكُمْ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكُمْ بِغَيْرِ عَدْلٍ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَ لَا أَمَلٍ أَصْبَحَ
لَكُمْ فِيهِمْ!

• و همان آتشی را که برای دشمنان خود و دشمنان شما
جرقه آن را افروخته بودیم بر ما افروختید! و برای سرکوبی
دوستان خود، با دشمنان خود همدست و هماهنگ شدید! با
اینکه آن دشمنان، عدلی را در میان شما رواج نداده‌اند و
شما به هیچ خیری در آن‌ها امید ندارید.



فَهَلَّا لَكُمْ الْوَيْلَاتُ. تَرَكْتُمُونَا؛ وَ السَّيْفُ مَشِيمٌ، وَ الْجَاشُ
طَامِنٌ، وَ الرَّأْيُ لَمَّا يُسْتَحْصَفُ؟! وَ لَكِنْ أَسْرَعْتُمْ إِلَيْهَا كَطَيْرِهِ
الدَّبْيِ! وَتَدَاعَيْتُمْ إِلَيْهَا كَتَهَافَتِ الْفَرَّاشِ!

• پس وای بر شما و رسوائی‌ها دامن‌گیرتان باد! ما را رها
کردید پیش از آنکه شمشیری در یاری ما از نیام بکشید و
یا اضطراب خاطری داشته باشید و یا تصمیم محکمی گرفته
باشید؟ ولی مانند سیل ملخ به سوی فتنه شتافتید! و مانند
پروانه در فتنه به هم ریختید!



فَسُحِقًا لَكُمْ يَا عِبِيدَ الْأَمَّةِ! وَشُدَّاذَ الْأَحْزَابِ! وَنَبَذَهُ الْكِتَابِ!
وَمُحَرِّفِي الْكَلِمِ! وَ عُصْبَهُ الْأَثَامِ! وَنَفَثَهُ الشَّيْطَانِ! وَمُطْفِئِي السُّنَنِ!
أَهْوَلَاءِ تَعْصُدُونَ؟! وَعَنَا تَتَخَاذِلُونَ؟!

• پس هلاکت و نابودی باد بر شما ای بنده‌های امت! و ای
رانده‌شده‌گان احزاب! و ای پس زندگان کتاب خدا! و ای
تحریف کنندگان کلمات خدا! و ای طائفه گناه‌کار! و ای آب و
دمِ دهان شیطان! و ای خاموش کنندگان سنت‌های الهیه! آیا
این جماعت را یاری می‌کنید و ما را تنها و مخدول می‌گذارید؟



أَجَلٌ وَاللَّهِ غَدْرٌ فِيكُمْ قَدِيمٌ! وَشَجْتُ إِلَيْهِ أُصُولُكُمْ! وَتَأَزَّرْتُ
عَلَيْهِ فُرُوعُكُمْ! فَكُنْتُمْ أَحَبَّ ثَمَرٍ شَجًا لِلنَّاظِرِ! وَأَكْلَهُ
لِلْغَاصِبِ!

• آری! سوگند به خدا که این مکر و حيله در شما بی سابقه نیست! و
بر این مکر، اصول و ریشه های شما پیوسته و آمیخته شده است!
و شاخه های شما بر آن پرورش یافته و نیرو گرفته است! پس
شما پلیدترین ثمره این درختید، که در کام صاحبش که ناظر آن
است چون خار و استخوان گلوگیر می گردید! و در کام شخص
غاصب و متعدی لقمه گوارا می باشید!



أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذِّلَّةِ؛ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ.

• آگاه باشید که این مرد بی‌پدر: زنازاده و پسر زنازاده
(عُبیدالله بن زیاد) مرا بر سر دوراهی نگهداشته است: یا
با شمشیر جنگ کردن و شربت شهادت نوشیدن، و یا تن به
ذلت و خواری دادن؛ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ، چقدر ذلت از ما دور
است!



خطبه امام حسین
در روز عاشورا

يَا أَيُّهَا اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ،
وَأَنْفُوفٌ حَمِيَّةٌ، وَنُفُوسٌ أَبِيَّةٌ؛ مِنْ أَنْ نُؤْثِرَ طَاعَهُ اللَّئَامِ عَلَيَّ
مَصَارِعِ الْكَرَامِ.

• خداوند بر ما زیبونی و ذلت را نمی‌پسندد، و رسول خدا و
مؤمنین نمی‌پسندند، و دامن‌های پاک و پاکیزه‌ای که ما را در
خود پرورش داده‌اند، و سرهای پر حمیت، و نفس‌های استواری
که ابداً زیر بار ظلم و تعدی نمی‌روند، بر ما نمی‌پسندند که
اطاعت فرومایگان و زشت سیرتان را بر قتلگاه کریمان و
شرافتمندان ترجیح دهیم!



أَلَا وَإِنِّي زَاحِفٌ بِهَذِهِ الْأَسْرَةِ مَعَ قِلَّةِ الْعَدَدِ، وَخَذْلِهِ
النَّاصِرِ.

• آگاه باشید که من با همین جماعت اندکی که با من
هستند، با وجود کمی تعداد و نبودن مُعین و یاور آماده
جنگ هستم!



ثُمَّ أَوْصَلَ كَلَامَهُ بِأَبْيَاتِ فَرْوَه بْنِ مُسَيْكٍ الْمُرَادِيِّ:

فَإِنْ نَهَزِمَ فَهَزَامُونَ قِدْمًا وَ إِنْ نُغْلِبَ فَغَيْرُ مُغْلِبِينَ (۱)

- و در این حال حضرت خطبه خود را به ابیات فَرَوَه بَن مُسَیْک مُرادی اتصال داده و به چند بیت از آن بدین منوال تمثّل نمود:

- غالب ار گردیم هستیم از قدیم و ر که مغلوبیم مغلوبان نئیم
- اگر ما غلبه کنیم و پیروزمندانۀ دشمن را به هزیمت دهیم، این کار تازه مان نیست؛ از قدیم الایام دأب ما چنین بوده است. و اگر مغلوب گردیم، پس هیچگاه مغلوب نیستیم (زیرا نیت ما و اراده ما بر صلاح و تقوی بوده، و این معنی شکست پذیر نیست)



وَمَا إِنْ طُبْنَا جُبْنٌ وَلَكِنْ

مَنَايَانَا وَدَوْلَهُ ءَاخِرِينَا (۲)

- زانکه حق با ما و حق باقی بود
- بطل ار پیروز شد فانی بود
- نیست در ما ترس لیک این نوبتی است
- که ز ما مرگ و ز آنان دولتی است
- و طبیعت ما ترس از مرگ نیست (و بدین جهت نیز به جنگ نیامده‌ایم که جان خود را دوست داریم، بلکه چون نمی‌خواهیم دشمن ناپاک بر ما سیطره جوید، برای این منظور آماده نبرد شده‌ایم؛ چون محال است که تا ما زنده‌ایم او بتواند بر ما چیره گردد) ولیکن دولت و حکومت او تنها و تنها پیوسته به مرگ ماست.



إِذَا مَا الْمَوْتُ رَفَعَ عَنْ أَنْاسٍ

كَلاَئِلَهُ، أَنَاخَ بِأَخْرِينَا (۳)

• مرگ اشتر وار سینه برگرفت تا ز قومی، دیگری در بر گرفت

• اگر مرگ سینه خود را از روی یک دسته از مردم بردارد، بدون شک روی یک دسته دیگر از مردم می‌خوابد؛ و ابداً انسان را از مرگ گریزی و گزیری نیست.



خطبه امام حسین
در روز عاشورا

فَأَفْنِي ذَلِكُمْ سُرَوَاءَ قَوْمِي كَمَا أَفْنِي الْقُرُونِ الْأَوَّلِينَ (۴)

- مرگ فانی کرد از من سروران هم چنان کو کرده از پیشینیان
- همین مرگ، اشراف و بزرگان قوم ما را نابود کرد؛ همچنانکه اقوام و طوائف پیشین را نابود کرد.



فَلَوْ خَلَدَ الْمَلُوكُ إِذَا خَلَدْنَا وَ لَوْ بَقِيَ الْكَرَامُ إِذَا بَقِينَا (۵)

• گر کریمان و شهان را بد بقا هم نبودی آن بقا از آن ما

• اگر پادشاهان و مقتدران عالم در این جهان جاودانه زیست می نمودند، ما هم می توانستیم مخلص بمانیم؛ و اگر بزرگان می ماندند ما نیز باقی بودیم؛ ولی بقا و خلودی نیست.



فَقُلْ لِلشَّامِتِينَ بِنَا أَفِيقُوا سَيَلْقَى الشَّامِتُونَ كَمَا لَقِينَا (۶)

- هان ملامت گوی ما از خواب خیز کاین چنین روزی ز پی داری تو نیز
- پس به شماتت کنندگان ما بگوئید: هان بیدار شوید و به هوش آئید!
که بزودی آنان نیز مانند ما به مرگ و نیستی می‌رسند!



ثُمَّ أَيُّمُ اللَّهِ! لَا تَلْبَثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا كَرَيْثِمَا يُرْكَبُ الْفَرَسُ،
حَتَّى تَدُورَ بِكُمْ دَوْرَ الرَّحَى! وَتَقْلَقَ بِكُمْ قَلَقَ الْمَحْوَرِ!

• و سوگند بخدا که پس از واقعه شهادت من، بدانچه دل
بسته‌اید نمی‌رسید! و درنگ نمی‌کنید در این جهان مگر به
قدر سواری یک اسب؛ که ناگاه روزگار، همچون سنگ آسیا به
دور شما بگردد و چون محور آسیا در شما گیر کند و شما را به
تشویش و اضطراب اندازد!



خطبه امام حسین
در روز عاشورا

عَهْدُ عَهْدَهُ إِلَيَّ أَبِي عَنْ جَدِّي؛ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ
وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّهُ ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ
وَلَا تُنْظِرُونِ!

- این عهدهی است که پدر من با من، از جد من گرفته است. حال رأی خود و همدستان خود را روی هم گرد آورید! و مجتمعاً فکر کنید و تصمیم بگیرید که امر شما بر شما پوشیده نماند! و به کردار خود پشیمان نشده و دچار غم و اندوه و حسرت نگردید! آنگاه پس از این تفکر بدون شتاب زدگی، بر من حمله‌ور شده و بدون هیچ مهلتی کار مرا تمام کنید!



إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ
ءَاخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

• من توکل بر خداوند نمودم، که پروردگار من و پروردگار شماست.
هیچ جنبده‌ای در روی زمین نجنبد مگر آنکه تقدیراتش به دست
قدرت اوست؛ و حقاً پروردگار من در راه راست و طریق صواب
است.



اللَّهُمَّ احْسِنْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ! وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ سِنِينَ كَسَنِي يُوسُفَ!
وَسَلِّطْ عَلَيْهِمْ غُلَامَ ثَقِيفٍ، فَيَسُومَهُمْ كَأْسًا مُصَبَّرَةً! فَإِنَّهُمْ كَذَّبُونَا وَخَذَلُونَا
وَ أَنْتَ رَبُّنَا! عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا! وَإِلَيْكَ أُنَبِّئَا! وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ!

- بار پروردگارا! قطرات باران آسمان را بر این قوم فرو بند! و قحط و گرسنگی را بر آنان، چون قحط زمان یوسف مقدر فرما! و جوان ثقفی را بر آنان بگمار تا آنان را از کاسه تلخ زهر آگین بچشانند! چون آنان ما را تکذیب کرده و به دروغ نسبت دادند، و ما را مخذول و منکوب نمودند!
- تو هستی پروردگار ما! توکل بر تو نموده ایم! و بسوی تو انابه و بازگشت داریم! و به سوی توست تمام بازگشت ها.



خَنَّاكُمْ مُوجِفِينَ؛ سَلَفْنَا عَلَيْنَا سَيْفًا لَنَا فِي أَيَّمَانِكُمْ
شَفَعْنَا نَارًا أَفْنَدْنَاهَا عَلَى عَدُوِّنَا وَعَدُوَّكُمْ!
يَا أَيُّهَا الْبَنَاءُ لَعْنَتُكُمْ عَلَى أَوْلِيَائِكُمْ بِغَيْرِ عَدَلٍ أَفْشَوْهُ
وَالسَّيْفُ مَشِيقٌ وَالْبَاسُ ظَالِمٌ، وَالرَّأْيُ لَمَّا
لَكُنْ أَسْرَعْنَا إِلَيْهَا كَطَيْرَةِ الدَّخْرِ

- اللهوف على قتلى الطفوف / ترجمه فهری
- سید بن طاووس
- صفحه ۹۶ تا ۱۰۰

